

خبر کوتاه

د

به گدایی آب رسیده ایم

داده های مربوط به حجم آب تجدیدپذیر و مصارف آن غالباً درست ارائه نمی شود. چرخه آب در کره زمین ثابت است اما پراکنش بارندگی و حجم و دفعات آن در سال های ترسالی و خشک سالی بایر باران و کم باران در نقاط مختلف تغییراتی می کند ولی، در کل زمین، در هر سال و در سرزمینی معین مانند ایران در بلندمدت ثابت است.

حجم آب تجدیدپذیر کشور، بنابر آمار درازمدت، نزدیک به ۱۲۰ میلیارد مترمکعب است. سدها، به مثابه تشست های بزرگ تیخیر، سالانه ۵-۱۰ میلیارد مترمکعب از این آب را تبخیر می کنند. از این رو، بخشی از آب تجدیدپذیر، که پیش از برنامه های ۶۰ ساله توسعه تهاجمی، در دسترس بود، با تبخیر غیرطبیعی، از دسترس خارج می شود.

وزارت سدسازی (نیرو) این هدررفت، که خودش آن را پدید آورده است، را پای کشاورزان می نویسد. وزارت سدسازی ۴۰ درصد آب های تجدیدپذیر کشور را در سدها جمع کرده و به کلان شهرها و شهرها انتقال داده است اما ادعا می کند کشاورزی بیشترین مصرف کننده آب است و بیشترین هدردهنده آن. سرانه شستشوی زمین، حیاط و کوچه با آب آشامیدنی بیش از ۲۵۰ لیتر (در کشورهای پرآب مانند آلمان این رقم ۱۰۰ لیتر است و دارد کمتر می شود) و نیاز هر انسان به آب آشامیدنی برای آشامیدن و پخت و پز کمتر از ۱۰ لیتر است. برای ۲۰-۳۰ لیتر سایر نیازها نیز می توان آب بازیافتی به کار گرفت. این یعنی مصرف سرانه خانگی ایرانی باید حداکثر ۴۰-۵۰ لیتر باشد که تنها ۱۰ لیتر آن باید از آب دست اول تأمین شود. ساختمان سازی با آب آشامیدنی به جای آب بازیافتی یکی از پر مصرف ترین فعالیت های شهری است که در هیچ جابازتاب نیافته است.

استخر و شهر آبی در سرزمینی خشک، به جای ورزش های ملی و بومی کم نیاز به آب، و کارواش، که شاید بتوان گفت بیهوده ترین مصرف آب در این سرزمین کم آب است، از مصداق های سوء مصرف آب است. فکر می کنید برای شستشوی بیش از حدود ۶-۷ میلیون خودرو در تهران چقدر آب مصرف می شود؟ کشاورزی، برای تأمین امنیت خوراک، باید ۶۰-۸۰ درصد آب تجدیدپذیر هر کشور را مصرف کند تا مهم ترین اقلام خوراک مردم را تأمین کند. در کشور کم باران ایران، کشاورزی باید ۸۰ درصد آب تجدیدپذیر را به کار گیرد که وزارت سدسازی آن را به کمتر از ۶۰ درصد کاهش داده است. روستاها خالی شده اند و کشاورزان شریف مولد ما، با حراج حقابه هایشان از سوی وزارت سدسازی برای حاشیه شهرها، برای دریافت آب به گدایی افتاده اند. رودها خاموش شده اند، دریاچه ها و تالاب ها خشکیده اند و مسئولان این وزارتخانه ناسازگار هرگز از بابت خطاها و اشتباهات جبران ناپذیرشان و از بابت هدر دادن بیش از ۲۵-۳۰ درصد منابع مالی کشور در هر سال محاکمه نشده اند.

مهندس فاطمه نظرنژاد
پژوهشگر آب و توسعه پایدار

گشتی در نمایشگاه خیابانی سهیلا دیز گلی که این بار به جای گالری در یکی از کوچه های منطقه ما برگزار شد

سورئالیسم در عباس آباد

محمدرضا هاشمی



است و مرگ و دیگر المان های جنگ سرد بودن این فضا را القامی کنند. هدف من از این کار در اینجا این نیست که مفهوم را برسانم. البته، با توجه به فضا، همین کار هم آوانگارداست. حتی می دانستم که شاید مورد شمات قرار بگیرم اما برای من مهم این بود که این اتفاق بیفتد و مردم چشمشان با این فضا آشنا شود. چون ما این امکانات را نداریم که مردم را به گالری ببریم و از نظر فرهنگی هنوز این شرایط پیش نیامده است، کاری که از عهده من برمی آمد همین بود که امروز شاهد آن هستیم.

دیوار سیمانی در انتقال مفهوم کمک زیادی کرده است

خیلی دوست دارم که، اگر دوستان همکاری کنند، این کارها در گلشهر و دیگر نقاط هم اکران شود. در همه تابلوها، علاوه بر اینکه روی تکنیک و فرم کار شده است، در کنار آن، تلاش شده است روی مفهوم هم دقت شود. دیوار سیمانی ای که امروز میزبان تابلوهای من است به انتقال مفهومی که در تابلوها هست بیشتر کمک می کند. من برخی از نقاشی ها را روی چوب کشیده ام تا بتوانم، با استفاده از زبری چوب، بر لطافت بوم غلبه کنم تا به انتقال مفهوم جنگ کمک شود. احساس می کنم این مردم ارتباط بیشتری با تابلوها برقرار می کنند. افرادی که از صبح برای دیدن این کارها آمده بودند در حرف هایشان دقیقاً به منظور و هدف من اشاره می کردند و این برای من بسیار جالب بود. کار بعدی من راجع به مهاجرت است، مهاجرت های عجیب و اجباری ای که متأسفانه این روزها شاهد آن هستیم. وقتی گلوله جنگ به یک جا می خورد، به همه جا آسیب می زند. مهاجرت هم همین گونه است و حتی تأثیراتش از جنگ بدتر است.

در مناطق پایین شهر انجام بدهم، بخصوص بیایم در یک منطقه خاص و در پایین شهر این نمایشگاه را برپا کنم. چون بچه ها و ساکنان این مناطق نمی توانند به گالری بیایند، در نتیجه، ما به این سمت آمدم. من معتقد هستم که، در حقیقت، هنر محدود به مکانی خاص نیست و ما باید خودمان برای ترویج این کار قدم برداریم. بعد از پایان نمایشگاه من در گالری رادین مشهد، که خوشبختانه استقبال خوبی هم از این نمایشگاه در آنجا شد، ما امروز از صبح تا ساعات اولیه شب تابلوهای نقاشی را به محله عباس آباد در بولوار میامی آورده ایم و این اکران برای من اهمیت زیادی دارد.

جنگ و ضد جنگ

موضوع نقاشی های من جنگ و ناگواری های جنگ است که به نوعی ضد جنگ محسوب می شود؛ یعنی در واقع این تابلوها به نوعی دارند از صلح می گویند اما از جنگ هم حرف می زنند. در این نقاشی ها به اتفاقاتی که در حاشیه جنگ برای آدم های افتد اشاره شده است، زنانی که شیون می کنند، جنازه هایی که آویزان شده اند و بچه هایی که به دلیل جنگ بی خانمان شده اند. این ها نشانه های جنگ است، جنگی که امروز دامن دنیا را گرفته است. در دوتا از تابلوهای من روی خاور میانه تمرکز شده است. من احساس کردم نیاز است در این شرایط که ما امروز در آن قرار داریم به این موضوع اشاره بشود.

چشم مردم باید با این فضاها آشنا شود

در این تابلوها از رنگ های خاموش و بسیار خاکستری و سرد استفاده شده است و جاهایی با رنگ قرمز و ارغوانی، که یادآور خون است، اشاره هایی شده است. در جنگ، علاوه بر اینکه خون وجود دارد، فضا فضایی سردی

صبح جمعه در تحریریه روزنامه نشسته بودیم که یکی از بچه ها بلند بلند یک متنی را خواند: «نمایشگاه خیابانی صلیب سرب، نقاشی های سهیلا دیز گلی در یکی از محله های پایین شهر مشهد». این نمایشگاه یک تفاوت مهم با دیگر اتفاقات هنری داشت و آن اکران نقاشی ها در یکی از خیابان های پایین شهر مشهد بود. با جمعی از دوستان، به سمت بولوار میامی و خیابان عباس آباد راه افتادیم تا ببینیم مگر می شود تابلوهای نقاشی را در کنار زمین های کشاورزی به مردم نمایش داد.

بعد از دیدن تابلوها و در راه بازگشت به روزنامه داشتیم به این فکر می کردم که هنجارشکنی هم خوب است و البته کاری که خانم دیز گلی انجام داد جسارت و شهامت زیادی می طلبد که ایشان داشته است.

شعر جواب من را نداد

من سهیلا دیز گلی هستم، متولد بهمن ۱۳۵۹ در مشهد. از کودکی به نقاشی علاقه مند بودم. از دانشگاه غیرانتفاعی فردوس در مشهد کارشناسی نقاشی گرفتم و در دانشگاه سوره تهران کارشناسی ارشد نقاشی را به پایان رساندم. من عاشق شعر و داستان هستم و عاشق سعدی و مولانا اما شعر جواب من را نداد و احساس کردم که باید حرفم را به صورت دیگری بیان کنم. البته نقاشی برای من راحت تر بود و دم دست تر بود. شاید دوست داشتم تأثیر هم کار کنم. چند سال مشغول تدریس نقاشی بودم و اکنون ساکن تهران هستم.

من و نقاشی هایم به پایین شهر آمدم

از حدود یک سال قبل، تصمیم داشتم که چنین نمایشگاهی از آثار نقاشی خود را در سطح شهر برگزار کنم، با موضوع جنگ، نمایشگاه نقاشی خیابانی برگزار کنم. در ذهنم بود که این کار را